



## وصول به رستگاری با تکیه بر بهگود- گیتا و قرآن کریم

نورمحمد انصاری<sup>۱</sup>

**چکیده:** رستگاری انسان که جزء دغدغه‌های مهم الاهیاتی در ادیان مختلف و متون مقدس آنها است از مسائل و تأملات آیین هندویی و اسلام نیز می‌باشد که مفاهیم، روش‌ها و شیوه‌های وصول به آن در بهگود-گیتا و قرآن کریم مشهود است. بهگود-گیتا که شاهد اصلی مهابهارته و انجیل هندوها خوانده می‌شود، رستگاری (مُکْشه) را آرمانی متعالی معرفی نموده و به آن از دو جنبه سلبی و ایجابی نظر دارد. در گیتا به صورت واضح سه طریقه (مارگه / یوگه)، کرمه یوگه (راه کردار یا عمل)، جنانه یوگه (راه معرفت) و بهکتی یوگه (راه عشق و دلدادگی) برای نیل به رستگاری نهایی (مُکْشه) ترسیم شده است. قرآن کریم که برای همه جنبه‌های زندگی بشر برنامه مدون دارد، هدف و غایت تعلیمات آن، نجات و رستگاری انسان است، چرا که موضوع قرآن، انسان است. حقیقت رستگاری در قرآن یک معنای عدمی و سلبی است که به معنای رهایی و یا دوری از مصیبت، درد و رنج، خلاصی از گناه می‌باشد که معنای اصلی آن با مفاهیم سعادت، فوز، فلاح و... که در بردارنده معنای وصول که مفهومی ایجابی است تا حدودی متفاوت است. ایمان و عمل صالح در قرآن کریم، به‌عنوان دو راه مهم و اصلی برای نیل به رستگاری ترسیم شده اما شاخصه‌ها، ملاک‌ها و مصادیق گوناگونی برای آنها در نظر گرفته شده است. این نوشتار ضمن مطالعه مفهوم مکشه در گیتا و نجات و رستگاری در قرآن کریم، به بررسی شیوه‌های وصول به رستگاری نهایی با محوریت گیتا و قرآن کریم می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** بهگود-گیتا، قرآن کریم، رستگاری، مُکْشه، ایمان، عمل صالح.

\* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۷

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۸

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی (ادیان و عرفان)، [ansarinourmohammad@yahoo.com](mailto:ansarinourmohammad@yahoo.com)

**مقدمه**

غایت تأملات نظری و ریاضت‌های عملی در اندیشه مکاتب، عارفان هندو و حتی هندی، مُکشه<sup>۱</sup>، نجات، رهایی، رستگاری نهایی نامیده می‌شود که یکی از اهداف چهارگانه حیات انسان است که سبب نجات انسان از رنج زندگی‌های تکراری و چرخه باززایی در بندهای سمساره<sup>۲</sup> یا تناسخ و تحمّل قانون اجتناب ناپذیر کر مه<sup>۳</sup> است و این مهم را می‌توان آرمان همه مکاتب فکری و دینی، آستیکه<sup>۴</sup> و ناستیکه<sup>۵</sup> دانست که چگونگی دستیابی به آن از دل مشغولی‌های عمده همه این مکاتب در خلال چندین هزار سال گذشته بوده است. اما تفسیرهای عارفان هندو از این مطلوب آرمانی، یکسان نیست و این موضوع تا حدودی به مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آنان برمی‌گردد تا آنجا که گاهی در یک مکتب فکری یا درشنه<sup>۶</sup> به چند تفسیر متفاوت از مُکشه (رستگاری نهایی) برخورد می‌نماییم. (۱۴: ۱۳۹۲/۳۳۳) اما آنچه تقریباً در همه این تفسیرها مشترک است رها شدن از چرخه سمساره یا رنج‌ها و مصیبت‌های ناشی از آن است.

(۷: ۱۳۹۴/۱۴۹) به‌گود—گیتا<sup>۷</sup> بخشی از حماسه بزرگ مهابهارته<sup>۸</sup> مُکشه را آرمانی متعالی و هدف زندگی معرفی می‌کند و آن را جوهر ودانته<sup>۹</sup> و تمام اوپنیشدها<sup>۱۰</sup> می‌داند. همچنین آهنگ رستگاری و آزادی دانسته که هر انسانی را از تمام اسارت آزاد کرده و به جاودانگی نائل می‌گرداند. (29: 6, 5, 1949/pp: 5, 6) گیتا به‌عنوان متن مقدس امکان رستگاری از چرخه سمساره، از طریق معرفت نجات‌بخش که اوپنیشدها تعلیم داده بودند به‌عنوان یک راه شریف پذیرفته است اما آن را به‌منزله تنهاترین راه و نزدیک‌ترین راه نمی‌داند بلکه راه عمل را نیز در کنار راه معرفت پذیرفته و راه دلدادگی و عشق (بهکتی) را نیز بر آن دو راه، اضافه می‌نماید. راز تاریخی عظیمی که در گیتا نهفته همانا در اثبات این قضیه است که راه حقیقی رستگاری در طریقه خلوص یا بهکتی قرار دارد و این طریقه که مبانی تعلیم به‌گود—گیتا است عطش روحانی خلق را سیراب می‌سازد. (۵: ۱۳۷۰/۲۶۳) والاترین و آخرین هدف تمام برنامه‌های اسلام که در رأس آن نیز، قرآن‌کریم قرار دارد، رستگاری انسان است چرا که

1. moksha
2. samsara
3. karma
4. Astika
5. Nastika

6. Darsana
7. Bhagavad Gita
8. Mahabharata
9. Vedanta
10. Upanisads

موضوع قرآن، انسان است و خداوند انسان را محور عالم آفرینش و دارای کرامت از هر نژاد و طبقه، در هر زمان و مکانی معرفی کرده است و این مهم از خطاب‌های قرآن به خوبی فهمیده می‌شود. در نگاه قرآن هر چند عامل اصلی نجات بخشی خداوند متعال است اما انسان با اراده، اختیار و همچنین نقش فعال خود با فراهم نمودن شرایطی خاص، خواهان نجات الاهی است. راهکار عملی و شیوه ساده قرآن کریم برای گام نهادن در مسیر رستگاری ایمان و عمل صالح است که باید مطابق با موازین شرع مقدس اسلام و دستورات قرآن باشد. ایمان و عمل صالح دارای مصادیق مختلفی می‌باشد که در قرآن کریم مشهود است

### ۱. اهداف زندگی (پروشارتیه)<sup>۱</sup> هندویی

اهداف - ورگه‌هایی<sup>۲</sup> که هر انسانی می‌تواند در زندگی خویش در جستجوی آنها باشد در متون مقدس هندویی به چهار دسته تقسیم می‌گردند که در اصطلاح تحت عنوان پروشارتیه (اهداف زندگی) نامیده می‌شوند که عبارتند از: ارتیه،<sup>۳</sup> کامه،<sup>۴</sup>

دهرمه،<sup>۵</sup> و مُکشه.<sup>۶</sup> ارتیه، کامه و دهرمه تحت عنوان تری ورگه<sup>۷</sup> (سه مقوله - هدف) شناخته می‌شوند و مُکشه بعنوان چهارمین هدف در رأس اهداف قبلی قرار می‌گیرد. (41-35/ pp: 1953/33) پس همه اهداف چهارگانه (دهرمه، ارتیه، کامه، مُکشه) دارای جایگاهی در زندگی هستند. انسان تنها زمانی می‌تواند به منتهی درجه ظرفیتش دست یابد که دهرمه بعنوان مبنایی برای زندگی اش قرار گیرد و مُکشه بعنوان نقطه اوج آن. (-13/ pp: 2017/21) (14)

### ۲- مُکشه

#### الف) ریشه‌شناسی واژه

مُکشه که در سنسکریت به صورت «moksa» آمده است از ریشه فعل «muc» مشتق شده که به معنای رها، آزاد، آزاد شده، نجات و رستگاری است. (2008:27) در برخی از مکتب هندویی، مُکشه به عنوان معادلی برای واژه‌هایی

5. dharma  
6. moksha  
7. trivarga

1. purushartha  
2. varga  
3. artha  
4. kama

رهایی از آگاهی آلوده این جهان مادی و وقوع شدن در آگاهی پاک و خالص می‌باشد. تمامی تعالیم به‌گود گیتا برای احیای این آگاهی خالص تدوین شده است. (۱: ۱۱/۱۳۸۶، ۱۰)

### ب) تعاریف و وجوه مختلف مُکشه

تعریف و معنای مُکشه در میان مکاتب مختلف دینی هندی و هندوی متفاوت است. (-50: pp 26:2000/ 52) مُکشه به معنای آزادی، رستگاری و رهایی است، حال این رستگاری از چه چیزی و چگونه شکل می‌گیرد در میان مکاتب مختلف تفاوت وجود دارد. (41-48: pp 22:1957/ 48) مُکشه یعنی آزادی از بازگشت دائمی به جهان فانی و رهایی از تسلسل مرگ و حیات که از آن به سمساره تعبیر می‌شود و این نجات موجب اتحاد با خداوند و شناخت حقیقت نهایی می‌گردد. ("moksha" 30:1994) این رستگاری ممکن است قبل از مرگ در حیات زمینی، (جیون موکتی)<sup>۱۲</sup> و یا در حیات اخروی و جهان دیگر در حالی که فرد از قید بدن رها شده، (ویدهه موکتی)<sup>۱۳</sup>

همچون «وی مُکشه»<sup>۱</sup> «وی-موکتی»<sup>۲</sup> «موکتی» (31: mukti) و کیوالیا<sup>۳</sup>، «آپه ورگه»<sup>۴</sup> و «نیروانه»<sup>۵</sup> مورد استفاده قرار گرفته است و واژه‌هایی که در زبان و فلسفه هندویی به اشکال مختلف رستگاری و نجات اشاره دارند. (650: p 25:1997/ در «وداها»<sup>۶</sup> و «اوپنیشدهای اولیه»<sup>۷</sup> واژه سنسکریت «موکیاته»<sup>۸</sup> دیده می‌شود که رها شدن و گسستن معنا می‌دهد همانند رها شدن یک اسب از سازه و برگش. (27:2008) بر اساس نظر دارا شکوه اندیشه موکتی مشتق از مُکشه یکی از پایه‌های معنویت باستان هندی است که عبارت از استهلاک و محو شدن تعینات در حضرت ذات است و به سه مرحله: رهایی در حال زنده بودن (جیون موکتی)<sup>۹</sup>، رهایی کلی (ساروا موکتی)<sup>۱۰</sup> و سرلنجام رهایی جاودلنی (ساروادا موکتی)<sup>۱۱</sup> تقسیم می‌شود و موکتی وابسته به شناخت و معرفت است و در حکم نتیجه مستقیم و بی‌واسطه آن است. (۱۱: بی تا ۳۷۹) در گیتا موکتی به مفهوم

8 . mucyate

9 . Jivan mukti

10 . sarva mukti

11 . sarvada mukti

12 . Jivan mukti

13 . Videha mukti

1. Vimoksha

2. Vimukti

3. Kaivalya

4 . Apavarga

5. nirvana

6 .Vedas

7 . early upanishads

مُکشه را نتیجه الطاف خداوند می دانند که در پاسخ به تلاش و کوشش ما برای پالایش ذهن هایمان و متوجه نمودن ارادت ما به ساحت حضرتش، آن را به ما اعطاء می کند. (16) (p: 2017 / 21) گیتا نیز به این امر در گفتار دهم تأکید می نماید. (11, 10: 10: 20)

### ۳- راه های وصول به مُکشه در گیتا

این یقین که راهی برای دست یافتن به مُکشه وجود دارد- یقینی که در همه فلسفه ها و مکاتب عرفانی هندی مشترک است- نمی تواند به یأس و ناامیدی یا بدبینی ختم شود. بی تردید رنج، عام و جهان شمول است، اما برای کسی که می داند چگونه به جست و جو پردازد تا خود را از رنج نجات دهد، رنج، پایان همه چیز نیست. (۱۹: ۵۹ / ۱۳۹۴) آیین هندو همانند هر دین و مکتب دیگری برای دستیابی به مُکشه راه هایی را توصیه می نماید. این راه ها که از آنها به عنوان مارگه<sup>۹</sup> به معنی جاده و خیابان و همچنین تحت عنوان یوگه<sup>۱۰</sup> که به معنی و مفهوم

رخ دهد. (p: 503 and p: 1997/ 25: 1021) معادل «جیون موکتا»<sup>۱</sup> شخصی که در حین حیات و قبل از مرگ در حیات زمینی به رستگاری رسیده است و دیگر تحت سیطره و اجبار زمان زندگی نمی کند بلکه در اکنون ابدی<sup>۲</sup> زندگی می کند، در گیتا با مفهوم دارنده خرد پایدار و حکیمی با ذهن استوار که تحت تأثیر رنج های سه گانه واقع نمی شود، (2: 1986/ 20: 72-55) معرفی شده است.

بر اساس الاهیات سری ویشنوا<sup>۳</sup> آزادی که با نام های مُکشه، نیروانه، موکتی، رستگاری و رهایی شناخته می شود شامل دو گونه است: ۱- آتما- آنوبهوم<sup>۴</sup> (خود- رستگاری): این عمل معنوی که در ادو پته ودانته<sup>۵</sup> و یوگه سوترای پننجلی<sup>۶</sup> آموخته می شود و مرحله ای که با انزوا و آزادی مطلق، کایوالیا<sup>۷</sup> نامیده می شود. ۲- بهگوت- آنوبهوم<sup>۸</sup> (رستگاری خداوندی): که اعتلای معرفت و تجربه، تسلیم شدن و خدمت به خدای متعال است. (42-41 / pp: 2017 / 32) اغلب هندوها

6 . Patanjali yogasutras  
7 . Kaivalya  
8 . bhayavat- anubhavam  
9 . marga  
10 . yoga

1 . Jivan mukta  
2 . nuncstans  
3 . sri vaishnava  
4 . atma- anubhavam  
5 . Advaita Vedanta

یوگه) به آرجونا می آموزد.  
یوگه آنجا که با کرمه یا جنانه یا بهکتی ترکیب شده (کرمه یوگه، جنانه یوگه، بهکتی یوگه) به معنی رام کردن نفس از راه‌های عمل یا از راه علم یا از راه عشق است. (۱۷: ۱۳۸۵ / ۴۵، ۴۴) کلمه یوگه از ریشه یوج یا یوغ (yuj) به معنی پیوستن، جفت کردن، تمرکز و توجّه به نقطه‌ای واحد، تسلط یافتن و مهار کردن نفس آمده است. در گیتا کلمه یوگه معانی گوناگونی دارد ولی مفهوم کلی آن پیوستن و مربوط ساختن است و ارتباط و پیوست با یوگه منجر به جدایی از تعلقات و قیود عالم می‌گردد. (۱۷: ۴۴) در اصطلاح به معنای ایستادن یا متوقف ساختن دخل و تصرف‌ها و معلوم سازی‌های ذهنی<sup>۷</sup> است. بنابراین بر خلاف تصور عامه واژه مزبور به معنای ارتباط و پیوند میان نفس انسان با یک واقعیت متعالی دیگر، چون خدا، یا مطلق<sup>۸</sup> نیست. (۶: ۵۵۶ / ۱۳۹۳) فلسفه یوگه مانند دیگر مکتب‌های فلسفی هند معتقد است که راه نیل به رهایی و آزادی، کسب معرفتی مستقیم و بی‌واسطه درباره ماهیت نفس است. (۶: ۵۴۹) گیتا نیز

مهار، رام کردن و هم ریشه با یوغ یا یوج است، یاد می‌شود با عناوین: کرمه مارگه<sup>۱</sup> یا کرمه یوگه، جنانه مارگه<sup>۲</sup> یا جنانه یوگه و بهکتی مارگه<sup>۳</sup> یا بهکتی یوگه بیان می‌شوند. در گیتا به صورت واضح سه راه برای نیل به رستگاری نهایی، از هر کدام از دو صورت مُکشه که باشد قابل فهم است که در گیتا با عناوین کرمه یوگه<sup>۴</sup>، راه کردار، جنانه یوگه<sup>۵</sup>، راه معرفت و بهکتی یوگه<sup>۶</sup>، راه عشق و دلدادگی، از آنها نام برده شده است. مسأله رستگاری در گیتا گریز از گردونه بازپیدایی است و به سه طریق صورت می‌گیرد. (۱۰: ۱۳۸۹، ج ۱ / ۳۲۷) اما برخی از مفسرین گیتا، راه چهارمی را نیز برای رستگاری در برخی از سرودهای این متن تشخیص داده اند و آن را با دهیانه یوگه یا طریق مراقبه مطابقت داده‌اند و البته خاطر نشان کردند که این نه یک طریق مستقل بلکه مقدمه‌ای عملی برای توفیق سالک در طی سه طریق دیگر می‌باشد. (۱۸: ۳۹ / ۱۳۸۳) در گیتا تشابه سه «راه» نجات‌شناختی به صورت جدّی نشان داده شده است.... (۱۹: ۲۵۸، ۲۵۹ / ۱۳۹۴) کریشنا سه راه را به همراه مراقبه (دهیانه

5 . jnana- yoga  
6 . bhakti- yoga  
7 . cittavrttinirod ha  
8 . absolute

1. karma-marga  
2 . jnana- marga  
3 . bhakti- marga  
4 . karma- yoga

به عنوان یک متن مقدس به یوگه و مفهوم آن و همچنین روش های مختلف آن در گفتارهای مختلف پرداخته است و این کلمه بارها و به اشکال مختلف در آن تکرار شده است. (20:8:12-13)

### ۱-۳. دهیانه یوگه (dhyana- yoga)

در گیتا، کریشنا سه طریق، را به همراه مراقبه (دهیلنه یوگه) به آرجونا تعلیم می دهد تا با کمک و یاری این راه ها به مُکشه دست یابد. مکتب یوگه برای «پالایش و اشراق ذهن»<sup>۱</sup> هشت ابزار یا اصول هشتگانه ای<sup>۲</sup> ارائه می کند که شامل راه ها و دستورهای عملی می باشد. (۶: ۱۳۹۳/۵۶۳) مراقبه نیز یکی از آن اصول هشتگانه است و به این اصول هشتگانه یاوران یوگه<sup>۳</sup> گفته می شود. (۶: ۵۶۳-۵۶۴) نقطه عزیمت مراقبه یوگه یی تمرکز (اکاگراتا) بر یک شیء واحد است. (۱۹: ۷۲/۱۳۹۴)

گیتا، گفتار ششم را به دهیلنه یوگه اختصاص داده است و در این گفتار خداوند توضیح می دهد که روش یوگه هشتگانه راهی است برای مهار ذهن و حواس. با این وجود انجام آن برای توده مردم مخصوصا در این عصر کالی، بسیار

دشوار است. با اینکه در این فصل طریقت هشتگانه یوگه توصیه شده است ولی خداوند تأکید می کند که روش کرمه- یوگه یا کار در آگاهی به کریشنا، بهتر است، معیار کمال، عمل کردن در آگاهی به کریشنا یا آگاهی به خداوند است نه نظر داشتن به لذت از نتایج کار... (۱: ۱۳۸۶/ ۲۸۸) مراقبه در گیتا یعنی غلبه بر ذهن (20: 6:6) و اینکه انسان از ذهن برای ارتقاء و رهایی خود بهره جوید و نه انحطاط. (20: 6:5) گیتا همچنین در این گفتار برای تمرین یوگه روش های مختلفی را به آرجونا تعلیم می دهد که انجام این روش ها نیز باید در مکانی مقدس صورت گیرد و اینکه این کار یعنی تمرین یوگه برای عموم و کسانی که در فهم معرفت روحانی سُست می باشند امکان پذیر نیست و روش هایی دیگری از جمله ذکر نام مقدس خداوند به آنان توصیه می شود. (20: 14-11:6) پس مراقبه یوگه ای که در گیتا عنوان شده یعنی تصفیه باطن و عدم تعلق به محسوسات و این که فکر و ذهن رو به سوی کریشنا و حقیقت متعال باشد و در آگاهی کامل به متعال قرار گیرد. .... (20:

3. yoganga

1 . citta

2 . yogangas

29-6:27) همچنین کمال نهایی در تمام یوگه‌ها، بهکتی- یوگه است و آن عبارت است از معرفت کامل روحانی، درواقع، بهکتی یوگه آرمان نهایی است. (۱: ۱۳۸۶/۳۳۵ تا ۳۳۷)

#### ۲-۳- کرمه- یوگه (karma- yoga)

یکی از راه‌هایی که گیتا برای رسیدن به رستگاری به آرجونا تعلیم داده است، کرمه- یوگه یا همان راه کردار و عمل است. که در این راه انسان با انجام کارهای نیک و عمل به وظایف طبقاتی، در عین حال به وظیفه دینی و شرعی یا همان دهرمه نیز عمل می‌نماید و همچنین از طریق عمل بدون دل‌بستگی به نتیجه آن و بدون چشمداشت به ثمره و پاداش آن عمل، قدم در راه رهایی و نجات بر می‌دارد. کرمه در اصل به معنی کردار است اما در اصطلاح عبارت است از سرنوشتی که حاصل زندگی‌های گذشته آدمی است که مسیر زندگی آینده را تعیین می‌کند. (۱۷: ۴۰/۱۳۸۵)

گیتا گفتار سوم و پنجم را به کرمه یوگه اختصاص داده است و درباره معرفت و عمل می‌فرماید: ای آرجونا دو دسته انسان در تلاش شناخت ذات هستند گروهی علاقه منسند از راه تفکر و تعمق فلسفی و

تجربی و گروهی هم مایل هستند از طریق خدمت عابدانه (راه عمل) آن را درک نمایند و انسان نه صرفاً با امتناع از عمل می‌تواند به رهایی از عکس‌العمل دست یابد و نه فقط با حصول به انقطاع می‌تواند به کمال نائل گردد. (4, 3: 20) از نظر گیتا اعمال از «گونه‌ها»<sup>۱</sup> سرچشمه می‌گیرند و تفاوت در گونه‌ها موجب تفاوت در اعمال می‌گردند. (29-27: 3: 20) با توجه به تنوع گونه‌ها، عمل نیز در گیتا به سه دسته تقسیم می‌شوند: عملی که از سر نادانی انجام می‌شود و عملی که به هوس نتیجه یا از سر پندار یا به تکلیف انجام شود و عملی که انجام آن تکلیف آدمی است و این نوع از عمل است که مایه رستگاری انسان است و زمینه را برای تجلی نور معرفت فراهم می‌نماید.... (16: 4: 20-18) نکته دیگری که گیتا بیان می‌نماید این است که: انسان به وظیفه تجویز شده خودش پردازد هر چند به صورت ناقص، تا به وظیفه شخص دیگر به صورت کامل و نابود شدن در خلال انجام وظیفه خود، به مراتب بهتر از انجام وظایف شخص دیگر است زیرا دنبال نمودن راه دیگران خطرناک است. (35: 3: 20) یکی دیگر از آموزش-های کریشنا به آرجونا، آموزش احکام



شرعی و تأثیر عبادت و پیروی از شریعت در رسیدن به رستگاری است. (20: 41-39) از نظر گیتا، عبادت تنها عبادت عملی نیست بلکه مطالعه و گوش دادن به این گفتگوی مقدس نیز عبادتی مورد قبول و ارزشمند است. (20: 70, 68:18) از نظر گیتا قربانی و ذکر نیز از مصادیق مهم عمل هستند. (20: 14:3, 15) با وجود این که گیتا راه عمل را یکی از راه‌های رستگاری می‌داند اما این راه، در حقیقت برای کسانی است که کمتر به ابعاد معرفتی عرفان و سلوک نگاه دارند.... (۱۸: ۱۳۸۳ / ۳۹) اما راه حلی که گیتا برای این مشکل ارائه می‌دهد دستورالعمل رمزگونه آن برای این گروه از سالکان «عمل بدون چشمداشت به ثمره و نتیجه عمل است که گیتا اهل عمل را به چنین توجه مهمی در عمل فرا می‌خواند و با اشاراتی از قبیل «ناگزیر به انجام عمل و اینکه هیچ کس نمی‌تولند حتی برای یک لحظه نیز از انجام عمل اجتناب ورزد، (20: 3:5) بنابراین گیتا با طرح حقیقت ناگزیری از عمل، سالک را به «عمل از روی ناگزیری» یا «عمل طبیعی» دعوت می‌کند و این حداقل مراتب کمال و رستگاری است. (۱۸: ۱۳۸۳ / ۴۰) و اگر بدون دل بسته شدن

به نتایج و ثمرات اعمال به آنها به منزله وظیفه عمل نمایید، با عمل عاری از دل بستگی به متعال واصل می‌گردد. (20: 19:3) پس گیتا انجام عمل و تکالیف دینی برای سالک و رهرو را تا زمانی که به مُکشه نرسیده لازم می‌داند و تأکید می‌نماید که عمل کردن از بی‌عملی بهتر است. (20: 3:8, 9) اما مرتبه ترک عمل شأن کسی است که در آگاهی الهی واقع شده، وظیفه خود را بدون دل بستگی انجام می‌دهد و ثمرات آن را به خداوند متعال تسلیم می‌نماید. (13-8: 5:20) در واقع هدف گیتا ترکیب و تلفیق طریق عمل و عدم عمل است. پس ترک کار و عمل و عمل در عشق و عبودیت هر دو برای رهایی مطلوب است ولی از این دو، کار کردن در خدمت عابدانه بهتر از ترک کار و فعالیت است. (20: 5:2) نکته دیگر اسباب و لوازم پنجگانه انجام عمل است که کریشنا در گفتار هجده به آرجونا عرضه می‌دارد. (20: 18:13-15)

### ۳-۳- جنانه- یوکه (jnana- yoga)

جنانه که از واژه سنسکریت جنه (jna) مشتق شده است معمولاً به معرفت و آگاهی ترجمه می‌شود که گستره معنایی متنوعی دارد، شناخت در معنای عام،

عمل، در گیتا بر اساس اختلاف گونه‌ها به سه دسته (ستوه ای- رجسی- تمسی) تقسیم شده بود، معرفت نیز بر اساس سه‌گونه طبیعت مادی، به سه نوع تقسیم می‌شود: (19: 18: 20) ۱- معرفت ستوه ای: این معرفت در گونه نیکی<sup>۴</sup> است. (20: 18: 20) ۲- معرفت رجسی: این معرفت در گونه شهوت<sup>۵</sup> است. (20: 21: 18) ۳- معرفت تمسی: این معرفت در گونه تاریکی<sup>۶</sup> است. (20: 22: 18) بحث دیگری که گیتا در خصوص معرفت به آن پرداخته است، نوع معرفت است که گیتا آن را به معرفت ظاهری و معرفت حقیقی یا شهودی تقسیم می‌نماید. معرفت شهودی، معرفتی است که بوسیله آن می‌توان به اصل حقیقت غایی که در پس امور ظاهری است پی برد تا به مرحله رستگاری رسید و تنها می‌توان با شهود (پرا) بدان رسید. (7: 1394/59) گیتا از مشخصات این دو نوع معرفت سخن گفته است و درباره معرفت حقیقی می‌گوید که این معرفت، معرفت به چگونگی ذات حق و نجات از بند جسم و عمل و رهایی از چرخه بازپیدایی است. (9: 4: 20) گیتا همچنین این معرفت حقیقی را علم متعال

حکمت معنوی و اشراق، شناخت حقیقت غایی، دریافت متعالی همانی آتمن و برهنمن. (7: 1394/148) طریق معرفت به عنوان یکی از راه‌های وصول به حق در سنت دینی هندویی برای اولین بار در وداها مطرح شد. (7: 1973/ vol4, p: 23) بعد از وداها سرچشمه معرفت را می‌توان در اوپنیشدها یافت چرا که اوپنیشدها سرچشمه متعالی‌ترین معرفت هستند. (24: 1996/p: 28) و معرفت واقعی یاد و ذکر همیشگی و بی‌وقفه خدا است و این ممکن نمی‌گردد مگر با مراقبه<sup>۱</sup>، دعا<sup>۲</sup> و تسلیم خاضعانه<sup>۳</sup> تا سرانجام به معرفت مستقیم و حضوری درباره خدا برسیم. (6: 1393 / 772-773) در گیتا معرفت حقیقی که فرد آن را از یک روح خود شناخته می‌آموزد، نگرشی است که سالک تمام موجودات و جهان را جزئی از اجزاء و ذرات خداوند متعال می‌داند که متعلق به او هستند. (35: 4: 20) در چنین حالتی از ثمرات اعمالش منفک شده و تردیدهایش با دانش متعال از بین می‌رود و حقیقتاً در ذات متعال قرار می‌گیرد در این صورت، اسیر واکنش‌های اعمالش نمی‌گردد. (41: 4: 20) همان طور که

4 . sattvikam  
5 . rajasam  
6 . tamasam

1 . dhyana  
2 . upasana  
3 . bhakti

می‌داند که از طریق سلسله پیران قابل دریافت است و ... این علم معرفت حقیقی راه، راز متعال و اسرار روحانی معرفی می‌کند. (3, 2: 4: 20) کسی که به معرفت حقیقی دست یافت تمام تضادها و تناقض‌ها را یکسان می‌بیند... و کسی که با شادی و رنج آشفته نمی‌گردد و در هر دو حالت مصمم و ثابت باقی می‌ماند، مسلماً شایسته رستگاری است. (-11: 2: 20: 15) از منظر گیتا کسی که به معرفت حقیقی دست می‌یابد با خداوند وحدت می‌یابد و در متعال مستغرق می‌گردد.... (55-52: 2: 20) بنابراین والاترین نوع معرفت، معرفت به نفس است و این نوع معرفت از طریق فروتنی و تواضع و خدمت عابدانه و خالصانه قابل دسترسی است. (35, 34: 4: 20) نکته دیگری که درباره معرفت در گیتا مورد بحث است این است که متعلق این معرفت چیست؟ و معرفت حقیقی چه نشانه‌ای دارد؟ گیتا آن را «محرمانه‌ترین دانش» و یا «راز رازها» خوانده است. (2, 1: 9: 20) کریشنا در معرفی خود به‌عنوان خداوند متعال و هستی یگانه و حقیقت ازلی و پایان-ناپذیر (15-13: 9: 20) می‌گوید: «این منم که آیین مذهبی قربانی، خیرات به

نیاکان، گیاه شفابخش و ذکر متعال می‌باشم... و هجاء ام هستم، ... روح و ماده هر دو در من هستند.» (-16: 9: 20: 19)) باید اضافه نمایم که در گیتا تضادی بین این دو طریق jnana و karma نیست چون طریق معرفت و وظایف شرعی دو راه همبسته و متکی به یکدیگرند. (۱۰: ۱۳۸۹/ج ۱/۳۳۷-۳۳۸)

#### ۴-۳- بهکتی - یوگه (bhakti- yoga)

طریق دیگری که کریشنا برای رسیدن به مُکَشَه به آرجونا آموزش می‌دهد طریق محبت و عشق یا همان دلدادگی (بهکتی) است. بهکتی غلیان احساسات و هیجانات دلدادگی به خداوند است و این نوع بهکتی کاملاً از زندگی مراقبه‌ای آرام، مبتنی بر کف نفس و تسلیم در برابر خداوند و ذهنی مستغرق در خداوند و اندیشه خداوند متفاوت است. (7: ۱۳۹۴/۱۰۶) بهکتی (bhakti) از ریشه باج (bhaj) مشتق شده و غرض از آن خدمت به خداوند است. تمام فصل دوازدهم گیتا مربوط به همین طریق عشق است. طریق وصال به حق بر دو قسم است یکی آن است که حق را در بُعد تنزیهی اش چون برهمن دریابیم و ... و طریق دیگر راه انس، اُلفت، تماس و ارتباط با جنبه خصوصی

حق است و این طریق محبت و عشق است. تاریخ پیدایش طریق عشق بسیار کهن است. مدح و ستایش سروده‌های ریگ ودا، عبادت اوپنیشدها و التهاب و جذبۀ نیایش عارفانه آیین بهگوت، سرانجام تلفیق یافتند و در بهگود گیتا منجر به آیین و طریق عشق گردیدند. (۱۰: ۱۳۸۹/ ج ۱/ ۳۳۸) طریقت بهکتی عمدتاً مناسب کسانی است که نه چندان دل‌بسته امیال حسی اند و نه چندان گسسته از آن... چنین شخصی چنان دل‌بسته خداوند است که برایش چیز دیگری که او را دل‌نگران کند وجود ندارد.... (۷: ۱۳۹۴/ ۱۰۷-۱۰۸) این گونه است که گیتا در تعالیمش به آرجونا، وی را در روش‌ها و طرق نائل شدن به رستگاری و واصل شدن به حقیقت متعال آزاد می‌گذارد و اختیار می‌دهد که یکی از این طرق را انتخاب نماید. (۱۲-۹: ۱۲: ۲۰) بهکتی که در بهگود گیتا ستایش شده است از نوعی برتر است آن عشق و پرستشی است بدون هیچ انگیزه‌ای، عشق خداوند که مستقیماً از دل عاشق سرچشمه می‌گیرد و از هیچ علت دیگری ناشی نمی‌شود. (۷: ۱۳۹۴/ ۱۱۰) اما طریق محبت یا دلدادگی (بهکتی یوگه) با دو ویژگی آسان و سرعت، در گیتا، برترین راه (یوگه) شمرده شده است و این طریق را با هفت مؤلفه می‌توان

توصیف کرد: ۱- توجه دائمی و مکرر دل ۲- ایمانی کامل ۳- به سوی مظهری قابل تجسم و تصور از خدا (اوتاره) ۴- با توکل ۵- فقط او را خواستن ۶- رضا دادن به پسند و فعل او درباره خویش و ۷- غایت و ثمره این مجاهده، سکونت و حیات ابدی در اوست. (۱۸: ۱۳۸۳/ ۴۱-۴۲) این هفت مقوله در گفتار دوازدهم بیان شده است. (۸-۲: ۱۲: ۲۰) کسی که قدم در مرحله بهکتی می‌گذارد باید همه چیز خود را نثار معشوق و محبوب نماید و هیچ انگیزه و اندیشه‌ای به غیر از حق در او نباشد. سالک این راه باید در جنبه عمل و علم نیز سرآمد باشد و تمام اعمالش را به خداوند تسلیم نماید و در علم نیز به شناخت حقیقی نائل شده باشد. (۲۰: ۷، ۶: ۱۲) در این طریقه (بهکتی) سه امر را باید مورد دقت نظر قرار داد: الف- عشق: گیتا توجه خاصی به عشق و خود گذشتگی (بهکتی) دارد و عشق را یکی از راه‌های رستگاری می‌داند و این مسیر به مُکشه را با تعهد و عمل مشخص می‌نماید که فرد را به مکشه هدایت می‌کند.. (۳۲-۲۹: ۹: ۲۰) ب- عاشق: در گیتا عاشق کسی است که خودش تعلق دنیوی نداشته باشد. هر پیشرفت و مقامی را که حاصل می‌کند مرهون فیض و لطف

بی پایان حق بدانند، دل خودش را در ذات حق مستغرق نماید و... (27, 9: 20) کیشنا در گفتار پنجم و دوازدهم (28) صفات و خصوصیات بسیاری را برای عاشق حقیقی خودش و کسی که مَت بهکتی<sup>۱</sup> یعنی (عاشق من) شده است را برای آرجونا توصیف می نماید. (12: 20) (20-13) ج- معشوق: در گیتا وجود خداوند به عنوان معشوق آرجونا هم از لحاظ واقعیت نامتناهی و بُعد تنزیهی در نظر گرفته شده و همه آن را به صورت دوست و مرشدی مهربانی تصور می کنند که به صورت کیشنا ظهور می یابد و... (10: 1389/342) این معشوق که دوست عزیز آرجونا است در تمام گفتارهای گیتا به ارشاد و هدایت مرید خود یعنی آرجونا می پردازد و لحظه ای او را تنها نمی گذارد و از هدایت او غافل نیست. (12: 10: 20) (14) همچنین، بهکتی به خداوند بهترین راه دستیابی به مکشه است... (6: 20) (47) ماحصل تمام تمرینات یوگه در بهکتی یوگه نهفته است بدین معنی که تمام یوگه های دیگر تنها راههایی هستند برای رسیدن به بهکتی یوگه. یوگه در واقع یعنی بهکتی

یوگه... (1386: 1 / 336) گیتا همچنین نوع دیگری از یوگه، که به عنوان شادانگه- یوگه<sup>۲</sup> یا همان طریق سرسپردگی است را بیان کرده و در بیان نهایی، چارامه- سلوکه<sup>۳</sup> را نیز بیان می کند... (18: 20: 66) که عالی ترین طریق و بهترین مسیر به سوی خداوند است و شارلنه گتی<sup>۴</sup> یا «طریق سرسپردگی» خوانده می شود. پناه بردن به خداوند، پریتی<sup>۵</sup> ساده ترین راه برای ادراک خداوند و رستگاری است. در واقع این برترین راه و بهترین وسیله است. (48: 2017/p: 32)

#### ۴. رستگاری از منظر قرآن کریم

اسلام که در رأس آن قرآن کریم قرار دارد، معتقد است که خداوند بشر را برای رسیدن به رستگاری آفریده است و در تمامی اوامر و نواهی خود در قرآن کریم به این هدف اشاره می نماید. در قرآن کریم رستگاری یعنی رها شدن از خویش و رسیدن به خدا و نجات از عذاب های دنیوی و اخروی. در قرآن کریم رستگاری از هر دو بعدش، هم دنیوی و هم اخروی، مد نظر بوده و از آنجایی که حیات اخروی جاودانی و لبدی

4 . sharanagati

5 . parpatti

1 . mat- bhkatakah

2 . shadanga- yoga

3 . charama- sloka

#### ۴-۱-۲. فوز

برای واژه فوز، مفاهیم و معانی از قبیل پیروزی، رسیدن به آرزوها و نجات از شر و هلاکت اشاره کرده‌اند. (۳: ۱۴۰۴ / ۵ / ۴۵۶) راغب، فوز را در موت، رستگاری و نجات از بند دنیا می‌داند. (۹: ۱۴۱۲ / ۶۴۷) پس واژه های فوز، فلاح، معادل های عربی واژه رستگاری هستند که به ترتیب کامل ترین معنا از رستگاری را ارائه می دهند.

#### ۴-۱-۳. سعادت

لین واژه در لغت خوشبختی و پیروزی است در مقابل شقاوت که به معنای بدبختی و پریشانی است. (۸: ۱۳۷۷، ذیل سعادت) علامه طباطبایی، معنای سعادت را رسیدن به مطلوب می‌داند و سعادت و شقاوت را در مقابل هم به کار می‌برد. (۱۲: ۱۴۱۷ / ۲۱، ۱۱) بنگلرین از نگاه علامه مفاهیم فلاح و سعادت به یک حقیقت اشاره دارند. (۱۲، ۱۵، ۵)

#### ۴-۱-۴. نجات

در لغت به معنی رهایی و خلاصی، از موقعیتی نامطلوب، آزادی، رستگاری و امنیت به کار می‌رود. (۸: ۱۳۷۷، ذیل نجات) این واژه در قرآن کریم به مفهوم رستگاری به کار رفته و معنای رایج آن رهایی از هلاکت است.

با بررسی و دقت در واژه‌هایی که بیان

است دارای اهمیت بیشتری بوده لذا رستگاری اخروی انسان که مقدمه و لازمه سعادت اوست دارای اهمیت بیشتری است. نگاه قرآن به رستگاری رویکردی آخرت شناسانه است و رستگاری حقیقی آن است که در آخرت نصیب انسان می‌شود و انسان در پرتو عنایات و الطاف الاهی به مقام رضوان و خشنودی پروردگار که عالی ترین درجه و نهایت رستگاری است دست یابد.

#### ۴-۱-۱. معنا شناسی واژه‌ها

به نظر می‌رسد برای دستیابی به معنا و مفهوم، شیوه‌ها و راه‌های وصول به رستگاری از نگاه قرآن ابتدا باید معانی واژه های فلاح، فوز، سعادت، نجات و... را از فرهنگ‌ها و معاجم و مفردات قرآن استخراج و استنباط نماییم چرا که در قرآن این واژه‌ها در معانی نزدیک به هم به کار رفته‌اند و مفهوم عام رستگاری از این الفاظ استنباط می‌شود.

#### ۴-۱-۱. فلاح

فلاح از ریشه «فَلَحَّ» در لغت، رستگاری، سعادت، نجات، رهایی، موفقیت (۲: ۱۳۷۹، ذیل فلاح) رهایی از بدی‌ها و دستیابی به خوبی‌ها (۱۵: ۱۳۶۸، ذیل فلاح)، معنا شده است. همچنین به کسی که خیری به او برسد مفلح گفته‌اند. فلاح به معنای رسیدن به مطلوب نیز می‌باشد.

شد می توان گفت:

رستگاری و نجات به معنای عام آن یعنی سعادت، رهایی، آزادی، نیکبختی که در همه ادیان و مذاهب مشترک است اما تفاوت در روند وصول به رستگاری و قلمرویی است که اتخاذ نموده‌اند. پس آموزه رستگاری یا همان نجات‌شناسی، همان‌طوری که در بهگود-گیتا دارای اهمیت بوده است در قرآن کریم نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است.

## ۵. راه‌های وصول به رستگاری از منظر قرآن کریم

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الاهی، راه‌های وصول به رستگاری انسان‌ها را در قرآن کریم بیان نموده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی سخن به میان آورده است. قرآن کریم در موارد مختلف از شرایط یا مؤلفه‌های رستگاری سخن گفته است که این مؤلفه‌ها به‌عنوان شاخصه‌های رستگاری در دنیا و آخرت هستند و از مؤمنان دعوت نموده است که با شناخت این عوامل زمینه‌های رستگاری را به دست خود فراهم نمایند. از آنجایی که خداوند متعال رسیدن به سعادت را در

اختیار انسان قرار داده و همچنین فعل رسیدن به سعادت را نیز سهل نموده است، حقیقت سعادت جز ایمان و عمل صالح و به دستورات و اوامر خداوند که از روی اراده و اختیار از او صادر شود چیز دیگری نیست. قرآن از رستگاری انسان در قالب یک فرمول ساده (ایمان/عمل صالح) سخن می‌گوید. (۱۲: ۱۴۱۷، ۱۲/۱۸)

## ۶. ایمان و عمل صالح در قرآن کریم

قرآن کریم در سوره کوچکی که به نام سوره عصر نامیده می‌شود، ضمن تأکید با یک قسم می‌فرماید: بشر جز با داشتن چهار خصلت زیانکار و بدبخت است: اول ایمان، دوم عمل درست و صحیح، سوم تشویق و وادار کردن افراد یکدیگر را به حق، چهارم تشویق و توصیه افراد یکدیگر را به خویشتن‌داری و استقامت و صبر. اینها چهار رکن و چهار ستون کاخ سعادت بشر می‌باشند... (۱۶: ۱۳۷۹/۴۳) بعضی کلمات و جمله‌ها زیاد تکرار شده به‌طوری که آن کلمات و آن جمله‌ها با آن ترکیب مخصوص زبانه‌زد عموم و معروف شده، از جمله کلمات و ترکیباتی که مکرر ذکر شده "ایمان و عمل صالح" است که با ترکیب) الذین امنوا و عملوا الصالحات) آمده است. از اینجا می‌توان فهمید که این کتاب مقدس

آسمانی تا چه اندازه سعادت بشر را در گرو این دو چیز می‌شمارد: ایمان و عمل صالح. البته قرآن کریم که همواره از ایمان دم می‌زند هر ایمانی را منظور نمی‌دارد، مقصود قرآن از "ایمان" ایمان به ذات اقدس ربوبی است که ایمان به او ایمان به همه حقایق عالم است. (۱۶: ۴۷) و اما رکن دوم، عمل است، نه مطلق عمل، عمل صالح و پاک و نیک. (۱۶: ۴۹/۵۰)

### ۶-۱. ایمان

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن. (۱۲: ۱۴۱۷، ۱۵/۶) و مفهومی جامع است و ماهیت آن تصدیق قلبی است و ایمان فقط به گفتار نیست بلکه عمل، ملاک ایمان است. (۱۳: ۱۳۶۲، ۲/۴۰۹) ایمان را می‌توان نخستین و مهم‌ترین مرحله برای رسیدن به رستگاری در نظر گرفت و تمام مراحل بعد وابسته به این مرحله یعنی ایمان است. و مزین شدن نفس به جمیع مراتب ایمان (اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، عمل کردن با جوارح و اعضاء) می‌تواند آدمی را در این دنیا و سرای آخرت سعادت‌مند نماید و وی را از جمیع بلاها و شرور حفظ نماید. خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون اشاره به صفاتی از ایمان و مشخصه‌های مؤمنین می‌نماید. (مؤمنون/۱-۱۱) بنابر شاخصه‌های مؤمنین

در این آیات می‌توان قطعی بودن رستگاری ایشان، خشوع داشتن در نماز، رویگردان بودن از هر نوع سخن لغو، پرداخت زکات، عفت، رعایت امانت و عهد، مواظبت از نماز و وارث بهشت بوده، دانست. البته اولاً، بدون تردید یکی از ارکان زندگی بشر این است که به چیزی ایمان داشته باشد. در درجه دوم، آن امری که مورد ایمان انسان است خوب است مقدس و عالی باشد به طوری که ایمان به او شامل ایمان به همه حقایق بوده باشد. (۱۶: ۴۷/۱۳۷۹/۴۸) یکی از نکاتی که در رابطه با ایمان مهم است لزوم وجود شناخت و معرفت در تحقق ایمان است که خداوند می‌فرماید «یقیناً از بین بندگان خدا، تنها دانایان و دانشوران خدا ترس هستند.» (فاطر/۲۸)

### ۶-۲. عمل صالح

عمل صالح عملی است که در شرع به‌عنوان واجب یا مستحب معرفی شده و سالک از طریق انجام آن می‌تواند سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد. (۴: ۱۳۸۶ / ۲۵۴) در قرآن کریم هر جا که صفات مؤمنان را بر می‌شمارد به دنبال ایمان، عمل صالح را ذکر می‌نماید. (بقره/۸۲، یونس/۹، عنکبوت/۷، طلاق/۱۱، بروج/۱۱، جاثیه/۳۰، تغابن/۹، کهف/۱۱، قصص/۶۷...) یعنی این دو با هم موجب





نهایی راه‌هایی را توصیه می‌نماید. در گیتا به صورت واضح و روشن سه راه برای نیل به رستگاری نهایی (مکشه) از هر کدام از دو صورت مکشه که باشد قابل فهم است اما راه چهارمی نیز تحت عنوان دهیلنه‌یوگه نیز از متن گیتا قابل استنباط است که مقدمه‌ای عملی برای توفیق سالک در طی سه طریق دیگر می‌باشد. گفتارهای هجده‌گانه گیتا را می‌توان به سه مبحث مهم: راه کردار یا عمل، راه دانش یا معرفت و راه محبت و عشق الاهی تقسیم‌بندی نمود. در گیتا تشابه این سه راه نجات‌شناسی به صورت جدی نشان داده شده است که معرفت نتیجه عمل است و عشق نتیجه عمل و معرفت درست است و عمل و معرفت نیز با بهکتی یا عشق به خداوند به کمال می‌رسند از این جهت ارتباط متقابل میان این سه طریق در گیتا برای وصول به حق و رستگاری نهایی قابل ملاحظه است و این واقعه‌ها با بحران وجودی آغاز می‌شود و با مکاشفه‌ای نمونه درباره موقعیت انسان و راه‌های رستگاری خاتمه می‌یابد اما طریق دهیلانه‌یوگه یا همان مراقبه را نیز جهت مقدمه و زمینه‌روشن‌های دیگر نباید فراموش کرد که برای هر فردی که گام در این مسیر می‌گذارد لازم و ضروری است. از نظر گیتا بهکتی (عشق

\* زهد و ترک هواپرستی و عدم دلبستگی به دنیا: (حشر/۹، تغابن/۱۶، نحل/۹۶)  
\* تمسک به قرآن: (اعراف/۱۵۷، اسراء/۹)  
\* خودسازی و تزکیه نفس: (شمس/۹، اعلیٰ/۱۴)  
\* اطاعت از خدا و پیروی از رسول اکرم (ص) و ایمان به خدا و پیامبر(ص): (صف/۱۰، ۱۱، نساء/۱۳، نور/۵۱، ۵۲، فرقان/۲۷)  
\* صبر و استقامت در راه خدا: (روم/۶۰، سجده/۲۴، زمر/۱۰، قصص/۵۴، نحل/۹۶، مؤمنون/۱۱۱، آل عمران/۲۰۰، بقره ۱۵۵ تا ۱۵۷)  
\* جهاد با جان و مال در راه خدا: (مائده/۳۵، توبه/۸۸، انفال/۴۵)  
\* گفتار سنجیده و محکم، (قول سدید): (احزاب/۷۰)  
\* تولی و تبری: (مجادله/۲۲)  
\* رعایت حدود الاهی: (نساء/۱۳)  
\* راستگویی و راست‌کرداری: (مائده/۱۱۹)  
\* توصیه متقابل به حق و صبر: (عصر/۳)  
\* توسل و استفاده از وسیله برای تقرب به خدا: (مائده/۳۵)

### نتیجه‌گیری

به‌گود -گیتا با وجود این‌که مکشه را نتیجه الطاف خداوند می‌داند، همانند هر متن مقدس دیگری برای دستیابی به رستگاری

به خداوند) بهترین راه دستیابی به مکشه است گرچه معرفت و کار و انضباط عملی و همچنین مراقبه، لازمه کمال یافتن در خدمت عاشقانه به خداوند می باشد اما ماحصل تمام تمرینات یوگه در بهکتی یوگه نهفته است بدین معنا که تمام یوگه های دیگر تنها راه هایی هستند برای رسیدن به بهکتی یوگه.

اما قرآن کریم که پیامبر (ص) را، منادی آزادی، رهایی و رستگاری معرفی می کند، دعوت خود را با پیام فلاح و رستگاری (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) برای بشر آغاز نمود تا آنجا برای سعادت حقیقی و رستگاری نهایی انسان اهمیت قائل است که از جزئی ترین امور زندگی انسان در عرصه های مادی و معنوی تا رسیدن به مقصد و کمال مطلوب و هدف نهایی آفرینش را مورد توجه ویژه قرار داده و برای هر لحظه آن برنامه و روش خاصی در نظر گرفته است. در نگاه آیات قرآن کریم عوامل و زمینه های فراوانی انسان را به رستگاری می رسانند که توجه یا بی توجهی انسان به این زمینه ها و استفاده کردن و یا در نظر نگرفتن آنها می تولند انسان را به مقصد نزدیک یا از آن دور نماید. از نگاه اسلام و قرآن هر فردی خودش باید با تمسک به

قرآن کریم و پیامبر و اهل بیت و با تلاش و کوشش خود و با پذیرش ایمان و انجام عمل صالح و کسب فضایل اخلاقی و تهذیب نفس و پرهیز از گناه و... در طول حیات دنیوی به آن دست یابد. قرآن کریم رستگاری را در گرو ایمان واقعی به اصول محوری دین حق و اعمال صالح می داند که انسان ماحصل آن را در عالم پس از مرگ خواهد دید. ارکان ایمان علاوه بر اقرار زبانی، تصدیق قلبی به مبدأ و معاد و نبوت است که جهت رستگاری باید با عمل صالح نیز همراه باشد. پس می توان گفت که همه اصول رستگاری در قرآن دارای جنبه عملی بوده و هیچ یک فارغ از عمل نیست. و این که قرآن در نظریه رستگاری خود، نه معتقد به اصالت معرفت و باور است و نه ملتزم به اصالت عمل و کردار. قرآن کریم هم عقیده محوری صرف را نفی می کند و هم عمل محوری تنها را، بلکه در عوض میان ایمان و عمل جمع می کند، آن هم بدون تأکید بر جنبه نظری و پیچیده عقاید و یا تأکید بر جزئیات گسترده اعمال. بنابراین همه اصول رستگاری در قرآن عملی است، به معنای اصالت عمل نیست، بلکه بدین معناست که معرفت و شناختی که قرآن در

نجات‌شناختی به آن، بها می‌دهد، معرفت  
و شناختی است که به عمل دربیاید و در  
زندگی عینیت یافته و متجلی گردد.

#### ملاحظات اخلاقی:

**حامی مالی:** این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.  
**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.  
**برگرفته از پایان نامه/رساله:** این مقاله برگرفته از پایان نامه/رساله نبوده است.

**منابع**

- چاپ دوم.
- آ.ج، بهاکتی ودانتاسوامی پرابهوپادا، (۱۳۸۶)، بهاگاواد- گیتا همان گونه که هست، مترجمان، سیاهپوش، فرهاد، و دیگران تهران، انتشارات دانش جاودان، چاپ چهارم تابستان ۸۶.
  - آذرتاش، آذرنوش، (۱۳۷۹) فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
  - ابن فارس، (۱۴۰۴ ق) معجم مقاییس اللغة، مصر.
  - امینی، ابراهیم، (۱۳۸۶ ش)، خودسازی، قم، نشر شفق، چاپ چهارم.
  - جان ناس، (۱۳۷۰)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه، حکمت، علی اصغر، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
  - چاترجی، ساتیش چاندرا و داتا، دریندراموهان، (۱۳۹۳)، معرفی مکتب- های فلسفی هند، ترجمه، ناظر زاده کرمانی، فرناز، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب چاپ دوم.
  - داسگوپتا، سورندراناته، (۱۳۹۴)، سیر تحول عرفان هندی، ترجمه، محمودی، ابوالفضل، انتشارات سمت، و دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول بهار ۹۴.
  - دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
  - راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق، صفوان عدنان، داوودی، دارالشامیه.
  - شایگان، داریوش، (۱۳۸۹)، ادیان و مکتب های فلسفی هند، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.
  - \_\_\_\_\_ (بی تا)، آیین هندو و عرفان اسلامی، ترجمه، ارجمند، جمشید، تهران، نشر فرزاد روز، چاپ چهارم.
  - طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
  - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ ش) الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم.
  - محمودی، ابوالفضل، (۱۳۹۲)، مشرق در دو افق، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول بهار ۹۲.
  - مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
  - مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹ ش) حکمتها و اندرزاها، تهران، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم.
  - موحد، محمدعلی، (۱۳۸۵)، گیتا سرود

- 25. Editor, Bowker john, (1997), the oxford. 7.Dictionary of world Religions, oxford university press. ISBN 978-0192139658
- 26. M. Hirianna, (2000), the essentials of Indian Philosophy, ISBN 978-8120813304
- 27. Monier- Williams, (2008), sanskrit English Dictionary, Germany.
- 28.
- 29. Swami Krishnananda, (1949), the moksha Gita, sivananda Ashram, Rishikesh, India, E-book.
- 30. The Encyclopedia of Eastern philosophy and religion, word "moksh" (1994), shambhala puvlications.
- 31. The soka Gakkai Dictionary of Buddhism, vimoksha.
- 32. Uve. Sri Rama Ramanuja Achari, (2017), the hand book of srivaishnavism.
- 33. Zimmer, Henrich Robert, (1953), Philosophies of India, Newyork, putheon Books.
- خدایان، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- موحیدیان عطار، علی، (۱۳۸۳)، آموزه‌های گیتا، نشریه هفت آسمان، شماره ۲۳، پاییز ۸۳.
- میرچا الیاده، (۱۳۹۴)، تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه، سالکی، بهزاد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، چاپ دوم.
- 20. A.c.Bhakti Vedanta swami prabhupada, (1986), Bhagavad Gita as it is, the Bhaktivedanta book trust, second Edition.
- 21. D.C.RAo, (2017), understanding Hinduism, basicconce pts explained, published the Hindu American Foundation.
- 22. Daniel H.H. (1957), Dharma and moksha, philosophy East and vest Ingalls, vol, 7, (Apr-Jul 1957)
- 23. Dasgupta, surendranath, (1973), A History of Indian Philosophy, 5 vol, Delhi, motilal Banarsidass. Reprinted by Cambridge (1973-2000)
- 24. \_\_\_\_\_, (1996), Hindu mysticism, Motilal Banarsidoss.